

داود انطاکی

محمد علی مدرس مؤلف دوره ریحانة الادب در جلد اول این کتاب نفیس منقول از الذریعه راجع به این سخنور دانشمند نابینای تازی و آثار معروف او شرحی جامع بطور کلی نوشته که عین آن در این جا نقل می شود ولی شعری از او نیاورده است:

انطاکی داود بن عمر طبیب انطاکی ملقب به «بصیر» حکیم، فیلسوف، ضییب، محقق، از مشاهیر اطباء و حکمای نامدار اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجرت که در سال نهصد و پنجاه تمام از هجرت زاییده و پیش از هفت سالگی قرآن مجید را حفظ کرده و از علوم ادبیه بهره وافی برده دور تمامی بلاد مصر و شامات سیاحت کرده و از حکمای هر دیاری فنی و از اطبای هر ملکی تجربتی یاد گرفته و در تحصیل لغت یونانی نیز رنجی بسزا برده تا آنکه ریاست اطبای زمان خود را حیازت بدست آورد و مرجع استفاده اکابر بوده است تا آنکه از کثرت ذکاوت و فطانت و بصیرت و خیرت که در علوم متنوعه داشتند و مهارتهای حیرت انگیز که در معالجه و مداوای بیماران از وی بروز یافته به لقب «بصیر» شهرت یافته و الا آن یگانه دهر قوه بینایی نداشته و نابینا بوده است. حفظه اش چنان قوت داشتی که هر مطلبی را یک مرتبه شنیدی تا آخر عمر از یادش نرفتی و تالیفات وی بدین شرح است:

۱- استقصاء العلل.

۲- لعبية المحتاج در طب.

۳- النهجة.

۴- تذکره اولی الالباب و الجامع للعجب العجاب در طب.

۵- تزیین الاسواق و تفصیل الشواق العشاق.

۶- الدرّة المنتخبة فی الادویة المجرية.

۷- زنیة الطروس فی احکام العقول و النفوس.

۸- شرح قصیده النفس ابوعلی سینا.

۹- غاية المرام في علم الكلام.

۱۰- النزهة الجهجة في تشحيذ الالذهان و تعديل الامزجة.

و غير از اينها كه موضوعات مختلف بسيار و در مذهب شيعة ثابت و اعتراضات بسيارى بر اهل سنت و جماعت داشت و در سال هزار و پنج يا هشت يا نه هجرى در مكه معظمه وفات يافته و پدرش رئيس قريه حبيب نجار بوده و در نزديكى قبر حبيب كاروانسرايى براى مسافرين ساخته و در آنجا حجراتى براى مجاورين و فقره تهيه كرده و همه روزه طرف صبح براى ايشان طعام مى فرستاده».